



تأثیر افکار عمومی بر جرم‌انگاری‌ها در سیاست کیفری ایران

ابراهیم قربانی^۱

۱. دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، عضو مرکز وکلای قوه قضاییه، ایران.

چکیده

یکی از پدیده‌های اجتماعی که جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری‌های کیفری دارد، افکار عمومی است. این پدیده باتوجه به ساختار و چارچوب نظام‌های سیاسی و حقوقی دارای کارکردهای متفاوت در سیاست کیفری می‌باشد. یکی از جنبه‌های تأثیرگذاری این پدیده در سیاست کیفری ایران، مباحث مربوط به جرم‌انگاری‌ها است. همین مسأله و میزان تأثیر باعث آن شده که سیاست‌گذاران کیفری آن را به‌عنوان عامل مهمی در راستای تعیین جرایم و مجازات‌ها در نظر بگیرند. پس بنابراین توجه به افکار عمومی در تعیین مینا و ملاک جرم‌انگاری‌ها می‌تواند نتایج مفیدی برای سیاست کیفری داشته باشد. تحقیق حاضر با هدف تبیین نقش و اثرگذاری افکار عمومی بر سیاست کیفری ایران، با روش توصیفی و تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که افکار عمومی با واکنش خویش نسبت به حوادث ارتكابی در جامعه تأثیر به‌سزایی در جرم‌انگاری‌ها داشته و همین مسأله زمینه‌های جلب توجه سیاست‌گذاران کیفری به افکار عمومی را فراهم آورده است. بنابراین جرم‌انگاری‌های اسیدپاشی، زمین‌خواری، جرم‌انگاری فعالیت در شرکت‌های هرمی و ... از جمله جرم‌انگاری‌های متأثر از افکار عمومی بر سیاست کیفری می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷-۴۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۷۷X-۴۹۰۹-۰۰۰۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۴۴۴۲۳۴۰

ایمیل: ghorbani9@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

افکار عمومی، عوام‌گرایی، کیفرگرایی، سیاست کیفری.



مقدمه

عصر حاضر، دوران پرشتاب فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است که چهره زندگی، شیوه اندیشیدن، تولید و بازتولید، مصرف، تجارت، مدیریت، جنگ، صلح و آرامش را در جهان متحول کرده است. دو عامل مهم، یعنی آشنایی مردم با رویدادها، حوادث اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و پیشرفت لحظه‌ای فناوری ارتباطات جمعی در سراسر دنیا درک نوینی از خردورزی، آزاد اندیشی و مسائل حقوق بشری را پدید آورده‌اند و همین مسائل و از قبل آن باعث شده که مردم در مقابل برخی از رویدادها واکنش چه از نوع منفی و یا مثبت نشان دهند، لذا در چنین وضعیتی، شناخت افکار عمومی و نقش آن از جایگاه والایی برخوردار است (دادگران، ۱۳۹۳: ۷).

اصطلاح افکار عمومی به معنای امروزین آن نخستین بار توسط ژاک نکه^۱ وزیر دارایی لویی شانزدهم در آغاز انقلاب فرانسه مطرح شد، او این ترکیب را به منظور بازگردن علت رویگردانی سرمایه‌گذاران از بورس به کار برد. افکار عمومی برای او «روح جامعه» و میوه ارتباط گسست‌ناپذیر بین انسان‌ها به حساب می‌آمد. او می‌گفت «افکار عمومی قدرت‌ناپیدایی است که بی‌گنج و بی‌محافظ و بی‌ارتش، برای شهر و برای دربار و حتی برای قصر پادشاهان قانون وضع می‌کند» (لازار، ۱۹۹۴: ۷).

افکار عمومی پدیده‌ای است که شرایط و معیار آن در قانون اساسی هیچ کشوری پیش‌بینی نشده است، به قول ژرژ گالوپ^۲: «قضاوت توده‌ها در اصل اساسی‌تر و غالباً بهتر از قضاوت قانون‌گذاران است.» ایشان در سال ۱۹۶۴ گفتند: «اگر مردم حقایق را بدانند، عاقلانه‌تر قضاوت می‌کنند، کوهی از مدرک و شواهد، درستی این اندیشه را ثابت می‌کند» (دادگران، ۱۳۹۳: ۸). پس افکار عمومی در واقع قضاوتی است که مورد قبول عامه مردم است و جنبه احساسی نیز دارد و ممکن است غلط باشد، ولی واقعیت دارد.

به‌رحال باید دانست افکار عمومی یک پدیده واحد و مستقل نیست، بلکه پدیده‌ای است که با دیگر پدیده‌های گوناگون پیوند نزدیک دارد. اقلیت و اکثریت، وضعیت‌های تنشی، تبلیغات، رسانه‌های گروهی، قوانین اجتماعی هریک در کم و کیف

دخالت مردم در سرنوشت خود تأثیر می‌گذارند (لازار، ۱۹۹۴: ۱۲).

بی‌هیچ تردید، افکار عمومی هر جامعه در بستر قالب‌های ارزش اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد و تحول می‌پذیرد. به عبارت دیگر، هر جامعه نوع فکری و عقیدتی مخصوص به خود را دارد و واکنش‌های جمعی خاص خود را نشان می‌دهد. ماهیت افکار عمومی از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی از زمانی به زمان دیگر در یک جامعه تفاوت دارد (سووی، ۱۳۵۴: ۲۷)، پس با این وصف بررسی افکار عمومی مستلزم شناخت فضایی است که در آن شکل می‌گیرد.

گستره افکار عمومی به حدی است که شامل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در تمامی اشخاص، مؤسسات، سازمان‌ها و گروه‌هاست، از همین روی به تدریج نه تنها نظام‌های سیاسی، بلکه سیاست‌گذاران جنایی را نیز به سمت شناخت و بهره‌گیری از آن سوق داده و این مسأله در همه نظام‌های حقوقی دنیا و از جمله نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با درجات کم و زیاد وجود دارد و اغلب بر این امر واقفند که بی‌توجهی به افکار عمومی در سیاست‌های کیفری نمی‌تواند چندان پایدار و مستحکم باشد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۲۵).

توجه به افکار عمومی در تعیین مبنا و ملاک جرم‌انگاری می‌تواند دارای نتایج مثبت و منفی باشد. از یکسو افکار عمومی در هر جامعه انتظار دارد که خواسته‌ها و مطالباتش مورد توجه مسؤولین قرار گیرد. بنابراین هنگامی که اعضای یک جامعه احساس کنند خواسته‌های آنان مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته و در قانون متجلی شده، بیشتر نسبت به آن انس و الفت پیدا می‌کنند و این را بزرگ‌ترین ضامن ثبات و مشروعیت یک نظام حقوقی و حتی سیاسی می‌دانند. از سوی دیگر، گرچه تشکیل و وجود یک جامعه ایده‌آل که در آن افراد به‌خودی‌خود و بدون وجود ضمانت اجراهای قانونی، بایدها و نبایدهایی که هر جامعه برای ادامه حیات خود تشخیص می‌دهد را رعایت کنند، مشکل است، اما نکته مهم آن است که نقش وجدان درونی افراد (پلیس درونی) در پابندی به قانون اگر بیشتر از ضمانت اجراهای قانونی (پلیس بیرونی) نباشد، کمتر نیست. بنابراین در آن نوع از قانون‌گذاری که افکار عمومی را بیش از حد مورد توجه قرار می‌دهد، علی‌رغم نتایج و آثار مثبتی که به‌همراه دارد، همواره در معرض یک خطر بزرگ است و آن

^۱- Jacques Neck

^۲- Georges Gallup

عمده جامعه در برابر حوادثی اطلاق می‌شود که برای جامعه جنبه حیاتی دارد و یا دست‌کم بخش عمده آن را حیاتی تلقی می‌کنند (علی‌بابایی، ۱۳۸۲: ۹۸).

در تعریف دیگر، افکار عمومی عبارت است از «مجموع عقاید، نقطه‌نظرها و گرایش‌های بخش بزرگی از جامعه پیرامون یک موضوع در یک زمان معین» و یا «افکار عمومی مجموعه‌ای از عقاید شخصی، در مورد یک امر مربوط به شرایط زیست گروهی است» (هوشمند، ۱۳۸۴: ۲۷).

افکار عمومی در اصطلاح به‌نظر، روش و ارزیابی مشترک گروهی اجتماعی در رابطه با یک موضوع مورد توجه و علاقه همگان گفته می‌شود که در لحظه مشخص بین تعدادی از افراد یک قشر یا طبقه یا سراسر اجتماع به‌طور نسبی عمومیت پیدا کرده است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۸۰).

در هر صورت، افکار عمومی، پدیده‌ای روانی - اجتماعی و خصلتی، جمعی است و عبارت است از ارزیابی، روش و نظر مشترک گروهی اجتماعی در مسأله‌ای که همگان به آن توجه و علاقه دارند و در لحظه معینی، بین عده زیادی از افراد و اقشار مختلف جامعه نسبتاً عمومیت می‌یابد و عامه مردم آن را می‌پذیرند. افکار عمومی به‌صورت تأیید یا مخالفت با یک عمل، نظر، شخص و واقعه با خواسته، مطالبه، پیشنهاد و توصیه تجلی می‌یابد (مهرآرا، ۱۳۷۲: ۳۷۱). بنابراین تاریخ هیچ جامعه‌ای عاری از این پدیده نیست و در هر جامعه‌ای افکار عمومی در بستر قالب‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و ... شکل می‌گیرد و بر همین اساس توانایی شکل‌دهی به سیاست کیفری را دارد.

۱-۲- جرم‌انگاری

جرم‌انگاری فرایندی است که به‌موجب آن قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. براین‌اساس جرم‌انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیرساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۱).

۱-۳- سیاست کیفری

«سیاست کیفری به‌معنای مقابله با ارتکاب بزه با ابراز کیفر مانند تمامی سیاست‌های دیگر دولتی دارای الگوهای خاص

اینکه دچار پدیده عوام‌گرایی کیفری^۱ شود و این نیز به‌نوبه خود می‌تواند جنبه‌ای منفی برای یک نظام حقوقی تلقی شود (قربانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶).

بنابراین اگر سیاست کیفری بر آن باشد تا به افکار عمومی توجه داشته باشد، خواه‌وناخواه به سمت یک رویکرد پوپولیستی یا رویکرد عوام‌گرایانه سوق داده می‌شود (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۱۱) و این موضوعی است که در چند قرن اخیر شاهد آن بوده‌ایم و احساس می‌شود روزبه‌روز هم بر میزان این تأثیر افزوده شود، چراکه به محض ارتکاب جرایمی که افکار عمومی خود را درگیر آن می‌بیند واکنش اولیه‌اش نسبت به آن رویداد مجرمانه معمولاً سخت‌گیرانه است و پاسخ‌های قضایی را خفیف و ناعادلانه می‌داند (Keijser et al, 2007: 131-161)، لذا خواهان برخورد شدید، فوری و آنی مراجع ذیربط بوده و به‌تبع آن نیز مقنن بارها به شیوه‌ای احساسی نسبت به وضع قوانین و یا متروک تلقی کردن آن‌ها در مقام عمل اقدام نموده است و این نشانگر تأثیر چشم‌گیر افکار عمومی در برخی از موارد بر سیاست کیفری نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بنابراین با این اوصاف ما درصدد پاسخگویی به این پرسش هستیم، جرم‌انگاری‌های متأثر از افکار عمومی در سیاست کیفری ایران، کدام‌ها هستند؟ برای پاسخ‌دادن به این سؤال، ابتدا تعریف واژگان افکار عمومی و سیاست کیفری مورد مذاقه قرار می‌گیرد و سپس به عوامل مؤثر بر جهت‌گیری افکار عمومی نسب به عدالت کیفری اشاره می‌شود و درنهایت به برخی از جرم‌انگاری‌ها که تحت تأثیر افکار عمومی بر سیاست کیفری ایران صورت گرفته‌اند، اشاره خواهد شد.

۱- تعریف مفاهیم

در این بند، به بررسی مفاهیم اصطلاحات اساسی پژوهش پرداخته می‌شود.

۱-۱- افکار عمومی

اصطلاح افکار عمومی در قرن هجدهم به‌منظور بیان افکار نخبگان فرانسه نسبت به پادشاه استفاده می‌شد و بعد از انقلاب فرانسه به‌معنای نظرات همه افراد (نخبگان و عموم مردم) نسبت به دولت و با عبارت افکار عمومی رایج شد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۸). به‌طور کلی افکار عمومی به عکس‌العمل بخش

^۱- Penal Populism

می‌برند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)، پس با این وصف، سیاست جنایی تدبیری است واقع‌بینانه و خردگرایانه برای کنترل بزه‌کاری که به دو شکل کیفری و غیرکیفری ارائه می‌گردد.

۲- پیشینه پژوهش

به‌منظور انجام پژوهش کنونی به مطالعه تحقیقات انجام‌گرفته مرتبط با موضوع پرداخته شده است. نکته قابل توجه آنکه در میان تحقیقات قبلی، تحقیقی مشابه تحقیق حاضر که به نقش افکار عمومی و اثرگذاری آن بر سیاست کیفری ایران پرداخته باشد، صورت نگرفته است، براین‌اساس باتوجه به موضوع، نزدیک‌ترین تحقیقات راجع به ابعاد انتخاب و خلاصه‌ای از آن‌ها در ادامه آورده می‌شود:

قربانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری ایران از دیدگاه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری» بر این عقیده هستند که افکار عمومی یکی از نیروهایی است که همواره دنبال مطالبات خاصی بوده به‌گونه‌ای که نمی‌توان تأثیر آن را بر وقایع و رخداد‌های گوناگون جامعه در ابعاد مختلف، حتی نظام کیفری نادیده گرفت. درنهایت بعد از آنالیز داده‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که ویژگی‌های فردی بزه‌دیده، نوع جرم ارتكابی و ... بر جایگاه افکار عمومی در رسیدگی‌های کیفری تأثیر دارد.

مقتدایی و اسفرجانی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر مدیریت افکار عمومی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان اصفهانی» ضمن بررسی این مسأله که احساس امنیت اجتماعی در جامعه زمینه را برای سازگاری بین گروه‌های اجتماعی، قومی، دینی و نژادی مختلف (باتوجه به تنوع این شاخص‌ها در کشور ما) فراهم و فضای اجتماعی امن‌تری برای تعاملات اجتماعی گروه‌ها با یکدیگر ایجاد می‌کند، به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی مانند رهبران فکری، تبلیغات، گروه‌های فشار سودطلب و آرمان‌گرا و استفاده از رسانه‌های داخلی بر احساس امنیت اجتماعی افراد مدنظر به‌صورت مستقیم و معنادار و شایعات، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی بر این احساس، به شیوه معکوس و معنادار تأثیر دارند.

می‌باشد» (مهر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۷). در تعریف دیگر، سیاست کیفری «واکنش عملی در قبال فعل یا ترک فعلی که بیانگر ضدیت علیه ارزش‌های اساسی متبلور در نظم عمومی است» (عرفانی و مصطفایی، ۱۳۹۷: ۱۴۰). به‌طور کلی سیاست کیفری مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه از تدابیر تقنینی، قضایی و اجرایی در حوزه حقوق کیفری شکلی و ماهوی است که با در نظرگرفتن اصول و معیارهای دادرسی عادلانه و رعایت کرامت انسانی، درصدد است تا با کشف و اثبات به‌موقع و بهینه جرم، واکنش کیفری مناسبی اعمال نماید تا به هدف کاهش نرخ جرم نائل آید (کریمی، ۱۳۹۴: ۲).

۱-۴- سیاست جنایی

سیاست به‌طور مختصر و ساده عبارت است از درک، تدبیر و اداره مسائل و امور جامعه، بدین‌سان سیاست جنایی از یکسو با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر، با عملی‌ساختن یک استراتژی (راهبرد) به‌منظور پاسخ به وضعیت‌های بزه‌کاری و انحراف، در ارتباط است (ارمغان و نقدی سپهوند، ۱۳۹۶: ۱۰۱). بنابراین سیاست جنایی مجموعه شیوه‌هایی است که هیأت اجتماع با استفاده از آن‌ها پاسخ‌های علیه پدیده مجرمانه را سازمان می‌دهد (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۳: ۲۵). تعریف اخیر رابطه نزدیکی با مفهوم سیاست جنایی از بعد علمی دارد، به‌گونه‌ای که با قدری مذاقه در آن معلوم می‌شود که سیاست جنایی از یکسو، علاوه بر جرم به انحراف نیز پاسخ می‌دهد و پاسخ نیز صرفاً ماهیت کیفری ندارد و از سوی دیگر، علاوه بر دولت، جامعه مدنی نیز در پاسخ به پدیده جنایی نقش مستقیم دارد (آشوری و مدنی، ۱۳۹۷: ۱۸۶). صاحب‌نظر دیگری، سیاست جنایی را کلیه اقدام‌های سرکوب‌گرانه (کیفری و غیرکیفری) و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌داند، که دولت و جامعه مدنی هر یک به صورت مستقل و یا با مشارکت سازمان‌یافته یکدیگر، از آن‌ها در قالب روش‌های مختلف به‌منظور سرکوبی بزه‌کاری و بزه‌کاران و نیز پیشگیری از بزه‌کاری و انحراف استفاده می‌کنند (لازرژ، ۱۳۸۲: ۲۳). بنابر آنچه گفته شد، براساس یک مفهوم پویا می‌توان سیاست جنایی را این‌گونه تعریف نمود: «عبارت است از تدابیر و اقدامات سرکوب‌گرانه و نیز پیشگیرانه‌ای که دولت و جامعه هر یک به‌صورت مستقل یا با مشارکت سازمان یافته یکدیگر، به‌منظور پیشگیری از بزه و کژمداری، مقابله با بزه‌کاری و کنترل آن و بالاخره اصلاح یا سرکوب بزه‌کار به‌کار

مقدسی و فرجیها (۱۳۹۲) در مقاله «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌را، مطالعه تطبیقی» به تحلیل مسأله عوام‌گرایی کیفری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌های کیفری عوام‌گرایانه معمولاً سخت‌گیرانه، عامه‌پسند، نمایشی و احساسی بوده و فاقد مبنای نظری و علمی است.

مرادی حسن‌آباد (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر افکار عمومی بر ابقا یا الغای کیفر اعدام در غرب» به تعریف افکار عمومی و کیفرگرایی، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری افکار عمومی اشاره نموده و هم‌زمان به تأثیر افکار عمومی بر وضعیت کنونی اعدام در غرب و ایران پرداخته است و به هیچ‌وجه در خصوص جایگاه افکار عمومی در نظام حقوق کیفری ایران اشاره نداشته است.

محمودی جانکی و مرادی حسن‌آباد (۱۳۹۰) در مقاله «افکار عمومی و کیفرگرایی»، به این نتیجه رسیده‌اند که کیفرگرایی، نه یک مقوله ساده و بسیط، بلکه پیچیده و چندبعدی است و تا حدی تحت تأثیر ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها و شیوه انجام پیمایش افکار عمومی نیز قرار دارد.

مقدسی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه دکتری حقوق گرایش حقوق کیفری و جرم‌شناسی با عنوان «عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران»، پس از مفهوم‌شناسی، ویژگی‌های عوام‌گرایی کیفری و بسترهای ظهور آن به جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست کیفری اشاره نموده و به این نتیجه رسیده است که جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری عموماً در سیاست کیفری جرایم جنسی، جرائم خشونت‌بار، مواد مخدر، بزه‌کاری نوجوانان و مفساد اقتصادی متجلی شده است.

دقت در عناوین و حتی نتایج پژوهش‌های مذکور، نشان از آن دارد که هیچ یک از آن‌ها به نقش افکار عمومی و بررسی تأثیر آن در حوزه جرم‌انگاری و کیفرگذاری در سیاست کیفری ایران نپرداخته‌اند، بلکه هر کدام به شیوه‌ای متمایز از پژوهش حاضر افکار عمومی را بررسی نموده‌اند. به همین سبب این پژوهش با آن‌ها متفاوت بوده و نتایج جدیدی را هم در عرصه تأثیر افکار عمومی بر سیاست کیفری در نظام حقوق کیفری ایران ارائه می‌دهد.

شیدائیان و رجبی سلمان (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «بزه‌دیده و عوام‌گراشدن سیاست کیفری» معتقدند که بزه‌دیده به شکل‌های مختلف موجب ایجاد عوام‌گرایی کیفری می‌شود. ترس از جرم و نگرانی عمومی از آن به‌نوعی سخت‌گیری کیفری عوام‌گرا را تشدید می‌کند. اغلب جرائمی با بزه‌دیدگان خاص (از حیث سن و جنسیت) توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را بیشتر جلب می‌کند. بنابراین این جرائم بیشتر موجب برانگیختگی احساس عمومی و تأثیر آن بر سیاست جنایی می‌شود. بزه‌دیدگان با بیان توقعاتی که از نظام عدالت کیفری دارند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در فرایند کیفری شرکت می‌کنند. از این طریق نیز بزه‌دیدگان می‌توانند موجب جهت‌دهی سیاست جنایی به‌سوی عوام‌گرایی شوند.

فرجیها و مقدسی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌ای کیفری مواد مخدر»، ضمن اشاره به اینکه عوام‌گرایی یکی از عوامل تأثیرگذار بر چگونگی شکل‌گیری سیاست جنایی کشورها در دهه‌های اخیر محسوب شده، به این مسأله هم اشاره کرده‌اند درخصوص مواد مخدر کاربرد سیاست جنایی عوام‌گرا پیشینه طولانی دارد و افکار عمومی هم به این برخوردها توجه ویژه‌ای داشته و از آن حمایت کرده است.

دادگران (۱۳۹۳)، در کتاب «افکار عمومی و معیارهای سنجش آن»، به مفهوم و ماهیت افکار عمومی و فرآیند شکل‌گیری آن اشاره نموده و معتقد است که افکار عمومی قدرت‌ناپیدایی است که توانایی وضع قوانین را برای شهرها، دولت‌ها و دربارها را دارد و به‌مثابه دادگاهی می‌ماند که خواهان مجازات مجرمین است.

خزائی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «نقش و تأثیر افکار عمومی بر سیاست جنایی»، پس از مفهوم‌شناسی واژگان اساسی تحقیق به بررسی سیاست جنایی ایران و اسلام پرداخته و نهایتاً افکار عمومی و سیاست جنایی و تأثیر آن‌ها را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که دمکراسی ایجاب می‌نماید رهبران سیاسی همواره به احساسات مردم و خواسته‌های آن‌ها توجه داشته باشند و این مسأله را در سیاست‌گیری‌های خویش دخیل بدانند.

۳- عوامل مؤثر بر جهت‌گیری افکار عمومی نسبت به عدالت کیفری

در بین پدیده‌های روانی جمعی، افکار عمومی گسترده‌ترین و آشکارترین آن‌هاست. این پدیده شگرف که با پویایی توانمند خود سرنوشت جامعه‌ها را رقم می‌زند، به موتوری می‌ماند که چرخ‌های اجتماعی را به گردش درمی‌آورد، ماشینی که می‌سازد، تخریب می‌کند، تند می‌رود، سروصدا به راه می‌اندازد و نیز خاموش می‌شود. افکار عمومی «صدای مردم» است. این صدا در همه‌جا و همه‌وقت به شیوه‌های مختلف شنیده می‌شود، اما در اکثر جوامع، حتی جوامع مدعی دموکراسی، گوش شنوایی پیدا نمی‌کند. افکار عمومی بخشی از تاریخ ملت‌هاست و در هر جامعه در بستر قالب‌های ارزشی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد و تحول می‌پذیرد. به عبارت دیگر، هر جامعه تنوع فکری و عقیدتی مخصوص به خود را دارد و واکنش‌های جمعی خاص خود را نشان می‌دهد. ماهیت و صورت افکار از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی از زمانی به زمان دیگر در یک جامعه تفاوت دارد. بنابر این بررسی، افکار مستلزم شناخت فضایی است که در آن شکل می‌گیرد.

پدیده افکار عمومی زمانی در جامعه مورد بحث قرار می‌گیرد که نمودی عینی و آشکار داشته باشد، جنبه عینی‌بودن این پدیده منجر به شکل‌گیری هدایت و رهبری این پدیده در جامعه می‌شود. در بررسی چنین فرایندی برخی از اندیشمندان به دنبال مطالعه شکل‌گیری زمینه‌های ذهنی و نطفه‌های اولیه رشد این پدیده در جامعه بوده‌اند، اینکه چگونه این پدیده رشد می‌کند (غفوری و کمالی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

محیط پیرامونی انسان‌ها بر فرایند شکل‌گیری افکار عمومی و حتی ابعاد آن تأثیر مستقیم داشته است. به همین سبب شناخت این عوامل از ضرورت‌های مهم می‌باشد. برخی مواقع موضوع شکل‌گیری افکار عمومی ممکن است ناشی از تعارضات درونی فرهنگ باشد. این مسأله در دوره‌های اخیر در قالب تفاوت‌های ایدئولوژیک، برداشت‌های سیاسی و هنجاری رواج بیشتری یافته است.

نخستین عامل تکوین افکار عمومی، مردم به‌طور عام هستند، اما در این میان بعضی از آن‌ها نقش مهم‌تری را از بقیه دارند، به گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را تدوین‌کنندگان افکار عمومی دانست که شامل سیاست‌مداران حرفه‌ای، نمایندگان مردم در

مجالس قانون‌گذاری، روزنامه‌نگاران و ... هستند. رسانه‌های ارتباط جمعی به‌عنوان دومین عامل تکوین افکار عمومی به حساب آمده، به گونه‌ای که تأثیر آن‌ها را بر تکوین افکار عمومی نمی‌توان نادیده گرفت، اگرچه برخی از این قبیل رسانه‌ها مثل تلویزیون و مطبوعات بیانگر افکار عمومی هستند، اما در عمل می‌توانند باعث شکل‌گیری و حتی تحریک آن شوند.

یکی دیگر از عوامل تکوین افکار عمومی نهادهای آموزشی هستند. این نهادها نظر به اینکه در مقاطع مختلف سنی پرورش‌دهنده انسان‌ها هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ شخصیتی هستند، تأثیر مستقیمی بر افکار عمومی دارند. یکی دیگر از آن عوامل مهم مجالس قانون‌گذاری می‌باشند. در کشورهایی که قوه مقننه مستقل و مردمی شکل گرفته است. کانالی مهم و اثرگذار بر سیاست‌گذاری عمومی ایجاد شده است که به‌عنوان اصلی‌ترین سازوکار ارائه‌کننده افکار عمومی به سیاست‌گذاران جنایی است.

بدون شک عوامل مختلف و متعددی بر جهت‌گیری افکار عمومی نسبت به عدالت کیفری تأثیر دارد که بررسی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد، به همین سبب در ذیل به بررسی هریک از این عوامل به‌طور مختصر می‌پردازیم.

۳-۱- سیاست جنایی حاکم

سیاست جنایی اتخاذی در یک جامعه، در روان‌شناسی مردم بسیار تأثیرگذار است. زمانی که در جامعه‌ای دستگاه قضایی متمایل به استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس شود و این قبیل مجازات‌ها را در احکام اصداری به مردم معرفی کند، این مسأله باعث نهادینه‌شدن آن‌ها می‌شود، لذا افکار عمومی نسبت به آن‌ها تمایل نشان داده، اما در جامعه‌ای که دستگاه عدالت کیفری بر کیفرگرایی تأکید دارد و از مجازات‌هایی همچون اعدام مرتکبان جرایم خاص، مثل محاربه، سرقت مسلحانه و ... بهره برد، افکار عمومی کم‌کم با چنین مجازات‌هایی درآمیخته خواهد شد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۱۶).

۳-۲- رسانه‌ها

در عصر حاضر به جرأت می‌توان گفت، مهم‌ترین منبع کسب اطلاعات مردم از سوژه‌های عدالت کیفری، رسانه‌ها آن هم از نوع فضای مجازی می‌باشند. رسانه‌ها تأثیر شگرفی بر

بسیار کارایی دارد. رسانه‌ها به دلیل قدرت و توانایی که در بازتاب و نمایش هنرهای صوتی و نمایشی دارد، می‌تواند جذابیت بیشتری نسبت به سایر ابزارهای آموزش داشته باشند. به‌عنوان مثال رسانه‌ای به نام تلویزیون به دلیل قابلیتی که از لحاظ نمایش و تصویر دارد، می‌تواند با آماده‌سازی آنچه که می‌تواند در مخاطب خود، شوق و میل به کار یا فرهنگ یا هنجاری را به‌وجود آورد. قابلیت‌هایی مانند صوت، تصویر و هنرهای مختلفی که در رسانه‌های مختلف به‌کار گرفته می‌شود، به همان اندازه که ممکن است در وقوع جرائم از سوی مخاطبان مؤثر افتد و شاید بیشتر از آن، می‌تواند در آموزش و فرهنگ‌سازی در میان نوجوانان و کودکان نیز مؤثر باشد. شاید بتوان نقش رسانه‌ها در انعکاس فرهنگ بهنجار و نرمال جامعه و پیشگیری از ارتکاب جرم را این‌گونه تفسیر کرد که حسن و قبح هر عملی که در واقع از فرهنگ حاکم بر آن جامعه نشأت می‌گیرد، می‌تواند از طریق رسانه‌های گروهی به اقشار مختلف جامعه القاء گردد و یا با نهادینه‌کردن یک فرهنگ خاص با ارزش‌ها و آرمان‌های بهنجار، افراد را از افتادن در مسیر انحراف و درنهایت ارتکاب بزه بازدارد. قطعاً تأثیر رسانه‌های متنوع و متعدد بر حسب محیط و برداشت تماشاگران مختلف جامعه فرق می‌کند. گروه‌های تحصیلکرده با دارا بودن معلومات کافی و آگاهی وسیع می‌توانند مسائل را از ابعاد مختلف شناسایی و بررسی کنند و درباره آن‌ها به قضاوت بنشینند و داوری کنند، اما گروه‌های کم‌سواد و ناآگاه به‌واسطه محدودیت اطلاعات و درک ناکافی در موارد زیادی قادر به تجزیه و تحلیل داده‌های دریافتی نیستند و به ناچار یا آن‌ها را می‌پذیرند و یا اینکه خود را نسبت بدان‌ها بیگانه احساس کرده، از اظهارنظر خودداری می‌کنند (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۲۳).

یکی از ویژگی‌های رسانه‌ها سرعت در انتشار است. قدرت مخابره سریع اخبار در نقاط مختلف دنیا به‌وسیله رسانه‌های گروهی سبب می‌گردد که روزانه میلیون‌ها انسان در اقصا نقاط دنیا از حوادث و اتفاقات رخ داده در نقاط مختلف جهان آگاه گردند. خصیصه دیگر آن است که اخبار و برنامه‌های رسانه‌ها مداوم است و تداوم این برنامه‌ها که با جهت‌گیری خاص مدیران رسانه‌ها همراه است، می‌تواند مفهوم یا مضامین مدنظر آنان را به مخاطبان خود القا نمایند، چراکه گفته‌اند که هر خبری، حتی نادرست هم با مداومت و تکرار می‌تواند به یک باور مبدل گردد. رسانه‌های گروهی این قدرت را دارند که اخبار

جهت‌دهی و جهت‌گیری افکار عمومی در قبال حوادث و موضوعات مختلف جامعه دارند که اغلب در این زمینه به شیوه‌ای ناشایست عمل می‌نمایند. رسانه‌ها در راستای جذب مخاطب و در راستای نگرش اقتصادی، تلاش می‌کنند اخبار جنایی را به‌صورت افراطی منتشر کنند و به همین سبب اغلب سراغ جرایم نادر و خشونت‌آمیز می‌روند. این مسأله باعث آن شده که عملکرد رسانه‌ها جنبه منفی داشته باشد. به‌طور کلی رسانه دنیایی را به تصویر می‌کشد که در آن عقاید افراد، بر مبنای عضویت آن‌ها در گروه جمعیتی و نژادی‌شان است و به این طریق، عقایدی را ایجاد می‌کند که افراد تمایل به نشان‌دادن آن‌ها دارند (Anastasio & Chapman, 1999: 156).

هوات سه نظریه درباره برخورد رسانه‌ها با جرم به‌طور خلاصه بیان می‌کند: نخستین نظریه از تحقیق در مورد تأثیر رسانه‌ها بر خوانندگان و شنوندگان ناشی می‌شود؛ نظریه دوم، نه تنها تا حد زیادی تأثیر رسانه‌ها بر روی خوانندگان و شنوندگان را مورد پرسش قرار می‌دهد، بلکه از روش استفاده خوانندگان و شنوندگان از رسانه‌ها را نیز سؤال می‌پرسد؛ نظریه سوم، با توجه به اهمیت رسانه‌ها به‌عنوان یک نهاد فرهنگی برای تقویت و حمایت از توافقات و منافع اجتماعی موجود آغاز و مطرح می‌شود و نتیجه‌ای که عاید می‌شود، این است که رسانه‌ها تأثیر شگرفی بر رویکرد افکار عمومی دارند (Howitt, 1998: 122).

رسانه‌ها می‌توانند با آموزش و ایفای نقش تعلیم‌دهنده‌های نوین، برقراری و تقویت پیوندهای اجتماعی از طریق برنامه‌های گفتگو، میزگرد جشن‌ها و جشنواره‌ها، همایش‌ها و فعالیت‌های گروهی، شکل‌دادن به افکار عمومی یا انعکاس آن‌ها در مقاطع خاص، در زمینه‌های مختلف مؤثر باشند. میزان موفقیت در برنامه‌های رسانه‌ها در پیشگیری از جرم فراوان خواهد بود، چراکه اکثر مردم اطلاعات خود را در مورد جرم و مجازات از رسانه‌ها می‌گیرند. رسانه‌هایی که در به‌دست‌آوردن اطلاعات کاملاً متکی بر سیاست‌مداران هستند، لذا سیاست‌مداران از طریق رسانه‌ها بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند نه اینکه از افکار عمومی تأثیر بپذیرند. مشکل دیگر، فقدان انطباق بین خطر پیش‌بینی‌شده از بزه‌دیدگی و تقاضا برای مجازات‌های شدیدتر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹). رسانه‌های گروهی از جمله وسایلی هستند که در آموزش و هدایت کودکان و نوجوانان

دادرسی قرار می‌دهند. چنانکه گویی این افراد هم در جلسه دادگاه و رسیدگی حضور داشته و از جریان رسیدگی به‌خوبی مطلعند. رسانه به‌دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود مانند گستردگی و سرعت در انتشار اطلاعات، علنی‌بودن دادرسی را به‌نحو چشم‌گیری گسترش می‌دهند. علنی‌بودن محاکمات، معنای گسترده‌ای دارد و اعم از بلامانع‌بودن حضور افراد در دادگاه است. بلامانع‌بودن حضور افراد یکی از جلوه‌های علنی‌بودن است و نه معادل آن. از این رو اگر به طرق دیگر بتوان محاکمات را به سمع و نظر مردم رساند، اجرای اصل علنی‌بودن خواهد بود و برعکس، محدودکردن حضور رسانه‌ها یا منع استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای اعلان محاکمات به عموم، محدودکردن اصل علنی‌بودن محاکمات محسوب می‌شود.

با وجود این، در قوانین کشورهای مختلف، علنی‌بودن دادرسی، اصلی کلی و مطلق نیست و در چند مورد استثنایی به حکم قانون، رسیدگی غیرعلنی خواهد بود. اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه نیز اجازه برگزاری غیرعلنی جلسه رسیدگی را در چند مورد صادر نموده‌اند، اما این اسناد، غیرعلنی‌بودن را امری استثنایی و تنها ناظر بر جریان رسیدگی دانسته، بر علنی‌بودن صدور و اعلام رأی تأکید ورزیده‌اند (خالقی، ۱۳۸۳). در برخی موارد مانند پرونده‌هایی که با امنیت جامعه و منافع آن در تعارض هستند و موارد دیگری که بنابر شرایط خاص تعیین می‌گردد، اصل علنی‌بودن مورد خدشه قرار می‌گیرد.

به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، دادرسی علنی از تضمینات حقوق دفاعی متهم است. وقتی به اتهام مظنون در برابر دیدگان افراد جامعه رسیدگی می‌شود، وی در برابر مقام قضایی احساس تنهایی و ضعف نمی‌کند و آسوده‌خاطر خواهد بود که قاضی از ترس قضاوت او، از تضييع حقوق و آزادی‌های قانونی متهم امتناع می‌ورزد و تمام هم و غم خود را معطوف به اجرای صحیح عدالت می‌کند. به گفته بنتام، از حقوقدانان معروف دوره کلاسیک، علنی‌بودن انگیزه‌ای برای قاضی در راستای ایفای مناسب وظایفش است. از نظر اخلاقی، دادرسی منصفانه به‌عنوان یک مانع عمل می‌کند که قاضی را از رفتار جانبدارانه و نادرست به هر شکل باز می‌دارد. از بعد عقلانی نیز محرکی است که او را برای خوگرفتن به فعالیت مستمر، دقیق و منطبق بر موازین قانونی و اصول حقوقی، بدون اینکه تأثیری بر کاهش

و برنامه‌های خود را در سطح وسیع منتشر نمایند. به این صورت که کوچک‌ترین اتفاقات در یک روستای دورافتاده را به‌صورت گسترده در همه نقاط دنیا منتشر نمایند. همین خصوصیت رسانه‌هاست که دنیای امروزی را به «دهکده جهانی» مبدل کرده است. فراوانی و گوناگونی محتوا و درون‌مایه از دیگر خصوصیات رسانه‌ها است که می‌تواند با برنامه‌های مختلف خود افراد مختلف با سلیقه‌های مختلف از سنین مختلف را مجذوب خود نماید، به‌گونه‌ای که افراد در همه ساعات می‌توانند از بین برنامه‌های مختلف رسانه‌های گروهی برنامه مورد علاقه خود را انتخاب نمایند. یکی از اصول رسانه‌ها، اصل و شعار «دانستن حق مردم» است. براساس این حق، رسانه‌ها این اختیار را می‌یابند که اخبار و اطلاعات را به سرعت و به‌نحو گسترده در اختیار عموم بپهنند، اما باید دانست که رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه‌های وابسته به دولت و حکومت باید برای حفظ مصالح نظام و پذیرش مسؤلیت در برابر آن، عملکرد خویش را به‌نحو مناسبی سامان دهند (فولادی، ۱۳۹۰).

وظایف پررنگ رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی و آموزش رفتارهای بهنجار، اهمیت این ابزارها را دوچندان می‌کند، چراکه در صورتی که رسانه‌های گروهی باوجود ویژگی‌های مانند سرعت انتشار و وسعت و قدرت انتقال پیام‌ها و اخبار گوناگون می‌توانند تأثیر شگرفی در بهنجاری یا نابهنجاری افراد جامعه داشته باشند. بنابراین رسانه‌های گروهی در صورتی که دغدغه مدیران و مسؤولان آن بر انتقال مفاهیم مفید و بهنجار سامان یابد، می‌تواند در راستای فرهنگ‌سازی و نهادینه‌کردن مفاهیم مثبت و با کارکرد اجتماعی مؤثر افتد، البته این نکته را از خاطر دور نخواهیم داشت که نقش و جایگاه مثبت و منفی رسانه‌ها در زندگی اجتماعی را گردانندگان و مدیران رسانه باتوجه به اهداف مدنظرشان، ترسیم و مشخص خواهند نمود. به‌گونه‌ای که در صورتی که آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان با توجه به وسعت تأثیرپذیری آنان و همچنین ایجاد قبح اجتماعی نسبت به رفتارهای مذموم، مد نظر اصحاب رسانه قرار گیرد، بیش از هر ابزار دیگری تأثیرگذار خواهد بود.

رسانه‌های گروهی به‌عنوان متولیان اصلی اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم و افکار عمومی، در راستای علنی‌بودن محاکمات می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند. بدین‌گونه که با اطلاع‌رسانی به افراد دیگری که در جلسه دادگاه حضور نداشته‌اند، آنان را در جریان

چه همان‌گونه که گفته‌اند کافی نیست که عدالت به مرحله اجرا درآید، علاوه بر آن اعمال عدالت باید ملموس و رؤیت‌شدنی باشد (آشوری، ۱۳۸۳)، بنابراین تضمین حق متهم و مصلحت جامعه در کنار هم میانی و اساس اصل علنی‌بودن دادرسی را تشکیل می‌دهند. از این‌رو نه به بهانه حمایت از منافع جامعه می‌توان حقوق و منافع فردی متهم را قربانی کرد و نه به نام تضمین حقوق دفاعی متهم می‌توان مصالح عمومی را نادیده گرفت. منفعت جامعه چیزی جز فراتر از حقوق متهمان و مجرمان نیست (امیدی و نیکویی، ۱۳۸۷).

۳-۳- گروه‌های فشار

در هر جامعه‌ای نمادی از این گروه‌ها وجود دارد که بسته به نوع نظام سیاسی، اجتماعی و موضوع مورد نظرشان، تعداد آن‌ها متغیر است. این قبیل از گروه‌ها سعی بر آن دارند تا از طریق برگزاری تجمع‌ها، کمپین‌ها و راهپیمایی‌ها برای تصویب آن قانونی که مدنظر دارند، افکار عمومی را به‌طور گسترده و وسیع قانع نموده و هم‌زمان سیاست‌گذاران جنایی را تحت فشار قرار بدهند تا به خواست خویش برسند. در نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران این عده در اقلیت محض می‌باشند که تا به حال توفیقی در اقتناع افکار عمومی برای همراهی خویش به دست نیاورده‌اند و بدین‌سبب نیز سیاست‌گذاران جنایی آن‌ها را نادیده گرفته‌اند، اما در برخی از کشورها چنین گروه‌هایی نظر به موقعیت ناگوار سیاسی و اجتماعی و همراهی افکار عمومی به دلیل نارضایی از سیستم حقوقی و عدم امنیت جانی، مالی و ناموسی و ... به‌طور وسیع موفق بوده و حتی قانون‌گذاران را وادار به تصویب قوانین مختلف کرده‌اند، از جمله می‌توان به قوانین سه ضربه در آمریکا اشاره کرد (رابرتز و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

۴- عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری افکار عمومی بر سیاست کیفری

تأثیر افکار عمومی بر سیاست کیفری نشأت‌گرفته از عوامل متعدد و مختلفی است، اما در بین همه آن‌ها عواملی نظیر «نوع جرم ارتكابی و نحوه انجام آن، سن و جنسیت بزه‌دیده، نحوه اطلاع‌رسانی، ترس از جرم و همزادپنداری با بزه‌دیده» توانسته است تأثیر بیشتری را ایفا نماید.

بدون تردید روزانه جرایم متعددی در جامعه اتفاق می‌افتد که مردم نسبت به همه آن‌ها واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه نوع جرم ارتكابی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در این مسأله داشته باشد.

حساسیت او از انجام وظیفه‌اش داشته باشد، وادار می‌کند، چون رفتار قاضی در هنگام محاکمه تحت مذاقه و بررسی افراد بسیاری به‌عنوان تماشاگر قرار می‌گیرد، وی نمی‌خواهد در مقابل ایشان ظالم شناخته شود. از سوی دیگر نیز علنی‌بودن دادرسی باعث می‌گردد که اشخاصی که به‌عنوان شاهد شهادت می‌دهند از ترس افشای دروغ خود از رهگذر حضار از اظهارات خلاف واقع خودداری می‌کنند. همچنین این نوع دادرسی احتمال پیداشدن گواهان بیشتر برای شهادت به نفع متهم را افزایش می‌دهد. مطبوعات نیز باید به‌نوبه خود بتوانند جریان دادرسی را انتشار دهند تا کارکرد دادگستری مورد سنجش و ارزیابی افکار عمومی قرار گیرد (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). با این ترفند، مردم درخصوص اعمال دادرسان، بازپرس و ... نظر می‌دهند و دیدگاه آنان در این زمینه شکل می‌گیرد.

در پرتو دادرسی منصفانه، حقوق بزه‌دیده، بر پایه مفهوم دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه در کنار حقوق متهم یا بزه‌کار بر پایه مفهوم دادرسی عادلانه، دو ضلع اصلی عدالت جنایی در حقوق بشری معاصر را تشکیل می‌دهند. بنابراین در به‌کار بستن راهبرد هم‌ترازی در بستر دادرسی عادلانه، نظام عدالت کیفری همواره باید مراقب باشد که منافع بزه‌دیدگان به ابزاری برای نقض حقوق متهمان تبدیل نشود. دادرسی عادلانه تنها در این سطح است که می‌تواند بر پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر به هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم جامعه عمل بپوشاند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵). در راستای اصل علنی‌بودن دادرسی، رسانه‌ها و به‌ویژه مطبوعات نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند و می‌توانند در مواردی که قانون اجازه می‌دهد و حقوق فردی و مصلحت اجتماعی را خدشه‌دار نمی‌کند، در حد مجاز به انعکاس جریان محاکمات با رعایت حدود و ثغور آن بپردازند. رسانه‌های گروهی نیز در کنار علنی‌بودن دادرسی می‌توانند به انتشار جریان دادرسی مبادرت نمایند. رسانه‌ها با عمل خویش، اعمال و تصمیمات قضایی را در بوته نقد و سنجش افکار عمومی قرار می‌دهند.

رسانه‌ها در راستای انتشار جریان محاکمات و اطلاع‌رسانی باید به این مهم توجه داشته باشند که اصل علنی‌بودن دادرسی نباید به هیچ‌وجه منافع افراد و حقوق متهم را به خطر اندازد و یا مصالح جامعه را نادیده بگیرد. بدین‌ترتیب شفافیت در اعمال عدالت و نمایان‌ساختن آن از نتایج مفید علنی‌بودن داوری است،

افکار عمومی بیشتر نسبت به جرایم علیه منافی عفت و دون آن، جان و به طور کلی هر آنچه را که برخلاف اخلاق پذیرفته شده و ارزشمند در جامعه باشد و وجدان عمومی را جریحه دار کند، واکنش نشان داده و به نوعی خواهان تدوین قانون در صورت نبودن آن، تغییر یا اجرا و تشدید آن می‌باشد. در سال‌های اخیر نمونه‌های زیادی از این قبیل جرایم اتفاق افتاده است که از باب مثال می‌توان به پرونده به زنجیر کشیدن مادری در حیاط خانه توسط پسرش در ارومیه^۱ اشاره کرد که مردم به شدت نسبت به این مسأله معترض بوده و همین مسأله باعث صدور دستور فوری رسیدگی برای تعقیب و مجازات مرتکبان چنین حادثه‌ای از سوی مقامات قضایی ذی صلاح شد.

شاید جرایم مشابه این یا آزار و اذیت والدین یا توهین به آن‌ها به کرات در جامعه صورت بگیرد، ولی افکار عمومی نسبت به تک‌تک آن‌ها واکنش نشان نداده است، بلکه نحوه ارتکاب جرم نیز در این مسأله اثرگذار است. فارغ از نوع ارتکاب جرم، نحوه انجام آن نیز بر واکنش افکار عمومی تأثیرگذار است. به عنوان مثال در پرونده قتل جوان مهابادی با استفاده از چاقو، ساطور و به آتش کشیدن بزه‌دیده و نهایتاً مرگ وی و گرفتن فیلم و عکس از تمامی زوایای نحوه ارتکاب بزه، باعث شد افکار عمومی در سطح بسیار گسترده‌ای به دستگاه قضایی فشار آورد تا به شیوه‌ای سریع و خارج از نوبت به پرونده رسیدگی شود که نهایتاً هم باعث صدور حکم قصاص نفس برای مرتکبان شد. شاید اگر مرتکبان، قتل را بدین شیوه انجام نمی‌دادند و مثل بسیاری دیگر از پرونده‌های قتل، جرم صورت می‌گرفت، مردم نیز این چنین رفتار نمی‌کردند.

سن بزه‌دیده و جنسیت وی نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار افکار عمومی بر سیاست کیفری است. وقتی صحبت از تأثیر این پدیده بر سیاست کیفری می‌شود، نباید این‌گونه پنداشت که باید حتماً قانون تصویب یا تغییر یا نسخ شود، بلکه در خیلی از موارد تشدید مجازات و اجرای آن است.

سن بزه‌دیده و تفاوت معنادار آن با سن مرتکب به شدت باعث انزجار مردم خواهد شد. نمونه عینی و به‌روز این مسأله پرونده قتل آتنا اصلانی در شهرستان پارس‌آباد مغان بود. بعد از اطلاع

مردم از قتل و جزئیات پرونده، فضای جامعه متشنج شده و کار به جایی رسید که دستگاه قضایی در کوتاه‌ترین زمان ممکن حکم پرونده را صادر و حتی آن را اجرا نمود. به طور حتم این مسأله برای اقناع افکار عمومی صورت گرفت، هرچند اگر از بعد تخصصی به مسأله نگاه کنیم، شاید ایراد وارد باشد، اما چون به وجدان افکار عمومی خدشه وارد شده بود، به ناچار و جهت جلوگیری از اتفاقات دیگر این برخورد از سوی دستگاه قضایی صورت گرفت. در غالب این موارد ترس مردم از گریبان‌گیر شدن خود یا خانواده و یا نزدیکانشان در تیررس چنین بزه‌کارانی، باعث چنین برخوردهایی که آکنده از احساس و هیجان هستند، می‌شود. مردم به شدت از ارتکاب جرم هراسان هستند، زیرا جرم ایجادکننده ناامنی و حتی احساس ناامنی در جامعه است. جرم جان، ناموس، عرض، مال و آزادی افراد را مورد هدف قرار می‌دهد. تبعاً این اثر باعث می‌شود افکار عمومی نسبت به جرم حساس شود (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۲۵). لذا سعی بر آن دارد به نوعی با بزه‌دیده همزادپنداری نماید. تمرکز بر همزادپنداری مبتنی بر یک سنت جامعه‌شناختی غنی است از نوع آنچه که جورج هربرت مد، به آن اذعان داشته که «خود» تنها در صورتی به باروری کامل می‌رسد که شخص بتواند نقش دیگری را عهده‌دار شود.^۲ در واقع از منظر فردی که دارای چنین توانایی است، غم دیگران، غم اوست و رنج دیگران، رنج او.

توانایی همزادپنداری را گاهی دارای پایه زیستی - عصبی دانسته‌اند و گاهی اجتماعی. اونور و کولن بر این باورند که همزادپنداری داخل در یک پروسه زیستی - اجتماعی است. به این معنا که علاوه بر ریشه‌های زیست‌شناختی، بر اثر مجموعه‌ای از باورهای اجتماعی (مانند باورهای نژادی و سبک اسناد) و تصاویر دارای ساخت اجتماعی از جرم شکل می‌گیرد (محمودی جانکی و مرادی حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

۵- جرم‌انگاری‌های متأثر از افکار عمومی

افکار عمومی یک متغیر مهم در شکل‌دهی و واکنش به جرم و بی‌نظمی است. مردم به شدت از جرم هراسان هستند، زیرا جرم ایجادکننده ناامنی و احساس ناامنی در جامعه است. جرم داشته‌های مهم مردم، یعنی جان، ناموس، عرض و مال افراد را

^۲- این امر در آموزه‌های اخلاقی ما نیز مدنظر بوده و قابل تأیید است، آنجایی که از معصومین منقول است که آنچه را برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بیسند و آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران میسند.

^۱- این پرونده مربوط به ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ می‌باشد. متهم دستگیر و پرونده در حال رسیدگی می‌باشد و مادر نیز به بهزیستی تحویل داده شده است.

کیفری از این اموال برمی‌آید تا کارکنان دولت وجوه و اموال عمومی را تصاحب نکنند. این تضمین کیفری در لسان قانون‌گذار اختلاس نام دارد.

التهابات بازار ارز و سکه در سال ۱۳۹۶ باعث شد که اوضاع اقتصادی مردم به‌هم بخورد و به‌همین سبب نظام حقوق کیفری ایران بر آن شد تا خود را با رویکرد مردم‌فوق و مقابله با فساد مالی را شروع نماید، چراکه افکار عمومی به‌شدت از این مباحث متأثر شده و خواهان برخورد با مرتکبان در این خصوص بود. به‌همین سبب دستگاه قضایی اقدام به تعقیب و دستگیری عده‌ای که به نوعی در بازار ارز و سکه اختلال ایجاد می‌کردند، نمود. افکار عمومی به‌شدت از این مسأله حمایت می‌کرد و نهایتاً مرتکبان به مجازات قانونی خویش رسیدند و عده‌ای هم که اختلاس‌گر بودند، در انتظار مجازات قانونی هستند و یا در حال طی‌نمودن آن می‌باشند، ازجمله آن‌ها می‌توان به پرونده‌های فساد مالی و اختلاس‌های کلان توسط شوراهای اسلامی برخی از شهرستان‌ها در شهرداری‌ها^۱ یا پرونده متهم اختلاس بیمه^۲ یا پرونده فساد مالی و اختلاس در بنیاد شهید^۳ اشاره نمود.

به‌طور کلی موارد مذکور همگی نشان از هم‌سویی و هماهنگی افکار عمومی - عامه مردم - و نظام حقوق کیفری ایران دارد و در این قبیل موارد افکار عمومی مورد توجه مقنن قرار گرفته که در برخی از موارد قانون کاملاً تغییر کرده و در برخی دیگر تعیین و تشدید مجازات و اجرای آن صورت گرفته است که نظر افکار عمومی از هر دو حالت محقق شده است.

مورد هدف قرار می‌دهد و تبعاً این اثر باعث می‌شود که افکار عمومی نسبت به جرم حساس شوند. حساسیت مردم در برخی از موارد به سمت و سوی قوانین می‌رود و باعث می‌شود قانون تصویب، تغییر و یا نسخ شود. این یکی از ابعاد خواست افکار عمومی در واکنش به جرایم است. هدف دیگر آن‌ها می‌تواند تعیین مجازات و اجرای فوری آن باشد. بنابراین باتوجه به این موارد، در ادامه به بررسی برخی از رفتارها که تحت تأثیر افکار عمومی جرم‌انگاری شده‌اند، خواهیم پرداخت تا نقش مهم افکار عمومی در اثرگذاری بر سیاست کیفری ایران مشخص شود.

۵-۱- جرم‌انگاری اختلاس‌های کلان

انسان به‌منظور برآوردن نیازهای خود به زندگی جمعی روی آورده و با پشت سرگرداندن فراز و نشیب فراوان، جامعه پیچیده و گسترده امروزی را شکل داده است. با توسعه جامعه انسانی و روابط اجتماعی، ادارات و سازمان‌های دولتی و عمومی نیز به‌وجود آمده و در طول زمان توسعه پیدا کرده‌اند. از زمان پیدایش حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوءاستفاده از اختیارات و فساد مالی همواره تهدیدی جدی برای نهادهای عمومی و عامه مردم بوده است.

برخی از مصادیق سوءاستفاده از اموال و امکانات عمومی و دولتی طبق قوانین و مقررات جزایی جرم محسوب می‌شوند، عبارتند از اختلاس، تصرف غیرقانونی، تدلیس در معاملات دولتی، اخذ پورسانت، اختلال در نظام اقتصادی کشور. در بین همه این جرایم، اختلاس و تصرف غیرقانونی جزء شایع‌ترین جرایم اداری هستند که در اکثر کشورهای جهان به‌عنوان یک معضل بزرگ فراروی دولت‌ها و دستگاه عدالت کیفری قرار دارند (منصورآبادی، ۱۳۷۹: ۳-۱).

اختلاس ازجمله تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مأمورین به خدمات عمومی است که نسبت به اموال متعلق به دولت یا سایر اشخاص انجام می‌گیرد. دولت‌ها برای اداره جامعه و سازمان‌بخشیدن به روابط اجتماعی بخش عظیمی از سرمایه‌ها و اموال و اسناد خود را در اختیار کارکنان خود قرار می‌دهند و احتمال دارد کارکنان دولت نسبت به وجوه یا اموال و اسناد دولت مرتکب خیانت شوند و آن را به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کنند. به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده کارکنان دولت نسبت به سرمایه و اموال دولت و اشخاص و تضمین این سرمایه‌ها، قانون‌گذار درصدد حمایت

^۱- در یک فرآیند زنجیره‌ای جهت مقابله و مبارزه با فساد مالی و اختلاس از سوی نهادهای امنیتی و مراجع قضایی در برخی از استان‌های کشور، ازجمله مازندران، بوشهر، آذربایجان غربی، کردستان، البرز، فارس و ... اقدامات گسترده و ارزنده‌ای صورت گرفته است. تعداد کثیری از اعضای شورا، شهرداران و پیمانکاران در این راستا دستگیر و به مقامات قضایی جهت اعمال مجازات تحویل داده شده‌اند.

^۲- متهم این پرونده یکی از مقامات اجرایی کشور در بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بود. ایشان به مجازات پنج‌سال و نودویک‌روز حبس محکوم شد.

^۳- فساد یکصدوهفتاد میلیارد تومانی، اعطای هشت‌هزار میلیارد تومان وام بدون ضمانت و با تبانی، کلاهبرداری از صرافی یکی از بانک‌ها در دوی به مبلغ چهارصدسویوسه‌میلیون درهم، وجود پنجاه تا هفتاد نفر در یک شبکه فساد با همکاری برخی مدیران وقت بنیاد شهید و معامله با افراد و بخش‌های ممنوع‌المعامله بوده است.

۵-۲- جرم‌انگاری اسیدپاشی

اسیدپاشی به‌طور عمده، جرم خاصی است که در طبقه ضرب و جرح و قتل قرار می‌گیرد، اما از دیدگاه جرم‌شناسی، باید اسیدپاشی را در ردیف جرم‌های خشونت‌بار به‌شمار آورد، زیرا شیوه ارتکاب آن مستلزم کاربرد اسید به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم و همچنین نمایانگر درجه بالایی از حالت خطرناک بزه‌کار است که در قالب خشونت‌شدید علیه بزه‌دیده نمایان می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۲: ۱۰). این جرم از آن دسته جرایمی به‌شمار می‌آید که در هر بار ارتکاب عواطف عمومی را تحریک کرده و بازتاب رسانه‌ای آن سبب رعب و وحشت در جامعه می‌شود. اسیدپاشی علاوه‌بر صدمات جدی و جبران‌ناپذیری که به قربانی جرم وارد می‌کند، موجب تباہ‌ساختن آینده و گوشه‌نشینی کردن دائمی قربانی خواهد شد. با این‌وجود اسیدپاشی از جرایمی است که از لحاظ تقنینی محجور مانده و حتی کمتر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است (نوریان و صنعتی، ۱۳۹۷: ۲۵).

نخستین مقررات قانونی که اسیدپاشی را به‌عنوان جرم قلمداد می‌کرد، ماده واحده‌ای تحت عنوان «قانون مربوط به مجازات اسیدپاشی»^۱ مصوب سال ۱۳۳۷ می‌باشد. طبق منابع موجود، بین سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۷ چند مورد اسیدپاشی در تهران و برخی شهرستان‌ها اتفاق افتاد و تکرار شد. در یکی از آن موارد، طرف جرم، یکی از قضات دادگستری بود. مرتکب جرم هم شخصی بود که در سابق به وسیله آن قاضی به حبس محکوم شده بود. اعمال انجام‌شده باعث ایجاد ضایعات عضوی و بدنی شدید و جبران‌ناپذیر شده بود. بر همین‌اساس ضرورت ایجاد می‌کرد جهت ایجاد آرامش مردم و اقتناع آن‌ها، مقررات خاصی راجع به اسیدپاشی وضع شود که نهایتاً این مقررات همان‌گونه که گفته شد، طی ماده واحده به تصویب مقنن رسید (آقای‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۱۰).

از دید ارتکاب این جرم طی سالیان اخیر باعث افزایش احساس ناامنی و هراس در جامعه شده است. این مسأله زمینه جهت‌گیری‌های افکار عمومی را نسبت به ضعف قوانین و برخورد دستگاه قضایی با مرتکبان این جرایم را علی‌الخصوص بعد از قضیه اسیدپاشی‌های رنجیره‌ای سال ۱۳۹۳ به دختران در اصفهان را فراهم آورد. مجموع این عوامل باعث آن شد که سیاست‌گذاران جنایی، خواست افکار عمومی را به نوعی با تغییر و تشدید قانون مربوطه برآورد سازند، لذا کلیات طرح «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»^۲ را تصویب کردند. در نهایت امر بعد از بررسی‌های تخصصی و رفع نواقص مطرح‌شده از سوی شورای نگهبان، طرح مزبور عنوان قانون به خود گرفت و در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ عنوان قانون «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»^۳ را به خود گرفت و تنها قانون لازم‌الاجرا در خصوص جرایم مربوط به اسیدپاشی می‌باشد. نکته قابل طرح و قوت این قانون پیش‌بینی زمینه‌های حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از اسیدپاشی می‌باشد که مقنن در ماده ۵ از قانون^۴ مزبور به آن اشاره نموده است. قانون تصویب‌شده در واقع گامی است در راستای رفع نواقصی که ذکر آن رفت و حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگانی که قربانی اسیدپاشی شده یا می‌شوند. می‌توان چنین عنوان کرد که تحت تأثیر فشار و خواست افکار عمومی، حضور تعدادی از قربانیان اسیدپاشی در صحن علنی مجلس جهت اعتراض به ضعف و خلأهای قانونی در مبارزه با پدیده اسیدپاشی، مجازات مرتکبان، عدم حمایت‌های مادی و معنوی از بزه‌دیدگان اسیدپاشی، رسانه‌ای‌شدن این مسأله و حمایت افکار عمومی باعث تصویب چنین قانونی شده است. بنابراین به صراحت می‌توان ابراز داشت که تشدید مجازات اسیدپاشی در این مصداق تحت تأثیر افکار عمومی بوده است.

^۲- قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

^۳- قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

^۴- ماده ۵- در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه‌بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده می‌باشد، در صورتی‌که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

^۱- هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، موجب قتل کسی بشود، به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد، به حبس ابد یا اعمال شاقه و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کارافتادن عضوی از اعضا بشود، به حبس مجرد از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود، به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازات شروع پاشیدن اسید به اشخاص حبس مجرد از دو سال تا پنج سال است. در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جازت نیست.

۳-۵- جرم‌انگاری زمین‌خواری^۱

(۱۳۷۵) و تغییر غیر قانونی کاربری اراضی (ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها اصلاحیه ۱۳۸۵) دانست.

از دید چنين عمل مجرمانه‌ای از سوی مرتکبان، باعث شد تا نهادها و سازمان‌های مرتبط با موضوع به بررسی مسأله و مجازات اشخاص زمین‌خوار بپردازند و در این راستا تعداد زیادی از ویلاها، باغ‌ها و املاک مسکونی تخریب شد که این مسأله باعث رضایت افکار عمومی شد و حتی در بسیاری از مواقع، عکس‌العمل افکار عمومی باعث سرعت‌بخشیدن و شدت اجرا شد که این مسأله را ناشی از رضایت مردم درخصوص برخورد قانونی با اشخاصی بود که تحت عناوین مختلف به تصرف غیرقانونی و یا تغییر کاربری اراضی و املاک دولتی می‌پرداختند.

به‌عنوان نمونه می‌توان به تخریب ویلاها، باغ‌ها و مزارع ایجادشده به‌صورت غیرقانونی در استان‌های شمال و غرب کشور اشاره نمود. حساسیت و اهمیت موضوع به حدی بود که مقام معظم رهبری راساً دستور رسیدگی به این مسأله را در استان گلستان صادر فرمودند. افکار عمومی نیز از اصدار چنین دستوری ابراز رضایت کرده و خواهان تسری‌دادن آن به اقصی نقاط کشور شده‌اند، به نظر می‌رسد که چنین چیزی هم با پیگیری و خواست افکار عمومی تحقق پیدا خواهد کرد.

۴-۵- جرایم سایبری

بشر در طول حیات خود اعصار گوناگونی را پشت سر گذاشته و هریک از آن‌ها را با الهام از تحول عظیمی که در آن عصر پدید آمده و گامی از رشد و تکامل بشری را رقم زده، نامگذاری کرده است، مانند عصر آتش، عصر آهن و عصر حاضر که عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات نام گرفته است.

با افزایش روزافزون آگاهی و دانش انسان در گذر زمان، رفته‌رفته علم و فناوری و تکنولوژی پیشرفت قابل توجهی داشته، به‌گونه‌ای که امروزه فناوری، بسیاری از شوون و جنبه‌های زندگی انسان را دربر گرفته و مزایای فراوانی برای انسان‌ها فراهم آورده است. نیمه پایانی قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم، دوره طلایی دانش و فناوری بشر دوره انتقال از عصر صنعت و ماشین به عصر فناوری اطلاعات است. به‌دنبال توسعه شبکه‌ها و ایجاد امکان اتصال مراکز پژوهش، علمی و تبادل اطلاعات با یکدیگر، فضای فیزیکی به‌وجود آمد. فضای سایبر، فضایی گسترده و وسیع است که در عرصه‌های مختلف

اصطلاح زمین‌خواری عمر زیادی ندارد، اما خود زمین‌خواری، قدمتی دیرینه از زمان حس تملک انسان بر اراضی را داراست و امروزه به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی و اقتصادی از آن نام برده می‌شود و نهادها، سازمان‌ها و به‌طور کلی عده زیادی را درگیر مبارزه با خود کرده است. بدون شک زمین یک عامل مهم تولید در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی مانند کشاورزی، جنگل، مسکونی، تجاری و صنعتی است. مالکیت زمین نیز برای افراد و کشورها یک قدرت اجتماعی و ثروت شخصی مهمی به شمار می‌رود (ابراهیمی و سوری، ۱۳۸۷: ۶۵) و بارزترین نوع تجاوز به اراضی و املاک، زمین‌خواری است. زمین‌خواری یکی از مفاسد رایجی است که در رابطه با املاک و اراضی بوده و از اجتماع چند جرم دیگر، از جمله تصرف غیرقانونی و غیرمجاز، جعل اسناد و مدارک، تغییر کاربری املاک و اراضی کشاورزی و باغی، قطعه‌بندی و تفکیک غیرقانونی، نقل و انتقالات، فروش و درنهایت کلاهبرداری در اراضی و املاک به‌وجود می‌آیند.^۲

به هر حال یکی از جرایم اقتصادی که باید با آن مبارزه شود، زمین‌خواری است. زمین‌خواران ثروتی را تصاحب می‌کنند که هیچ‌گاه آن را تولید نکرده و هیچ نقشی در به‌وجودآوردن آن نداشته و صرفاً با روش‌های ناصواب آن را تصاحب کرده و با حيله و ترفندهای مختلف آن را به فروش می‌رسانند و در این راه عده‌ای را در مقابل دولت یا مالکان واقعی قرار می‌دهند. این پدیده هنگامی که منجر به تمرکز ثروت‌های نامشروع و غیرقانونی در دست عده‌ای خاص می‌گردد، شکل خطرناکی به خود گرفته و آثار بسیار مخربی از خود بر جای می‌گذارد. از این‌رو به‌کارگیری اقدامات متناسب از سوی کشورها، به‌خصوص از طریق یک سیاست کیفری منسجم و جامع، در جهت از بین بردن آن، امری ضروری است (قنبری، ۱۳۸۸: ۱۹).

در نظام حقوقی کشورمان، عنوان مجرمانه‌ای تحت زمین‌خواری نداریم و این اصطلاح بیشتر در عرف اداری و اجتماعی رواج پیدا کرده است. با این حال می‌توان مصادیق این پدیده را دو جرم تصرف عدوانی (ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب

^۱ - زمین‌خواری، اصطلاحی است که در لسان عام کاربرد فراوانی دارد و جالب این‌که افکار عمومی در تعیین عنوان مجرمانه نیز نقش مؤثری داشته است.

^۲ - معاونت مبارزه با جرایم اقتصادی، ۱۳۸۸

جامعه بشری نفوذ یافته و کاربردها و نتایج اقتصادی قابل توجهی نیز دارد.

فضای سایبر به لحاظ ویژگی‌ها و امکانات متمایزی که دارد فرصت مناسبی در اختیار کاربران این فضا قرار می‌دهد. این امکان و فرصت مناسب، چالش‌هایی را نیز به دنبال دارد. در فضای سایبری حضور فیزیکی افراد تقریباً حذف شده و نوعی هویت الکترونیکی جای آن را می‌گیرد، هویتی که گمنام است و امکان آشکار شدن برای عموم وجود ندارد. اغلب افراد هویتی مجازی خلاف آنچه در واقعیت دارند، در فضای سایبری برای خود برمی‌گزینند (بحیرائی، ۱۳۹۲: ۱۱). در این فضا واسطه‌های انتقال اطلاعات از بین رفته و مرزهای سیاسی و جغرافیایی هم معنایی ندارند و امکان ارتباط با نزدیک‌ترین یا دورترین نقطه کره زمین فراهم گردیده، این موضوع در دنیای امروز به همان نسبت، بلکه فرصت ایجاد کرده است باعث خلق آسیب‌هایی هم شده است.

به هر حال همان‌گونه که رایانه و اینترنت باعث فرصت‌های خوبی در راستای برآورده کردن نیازهای بشر شده، امکان سوءاستفاده و ایجاد نوع خاصی از جرایم رایانه‌ای، تحت عنوان جرایم سایبری را هم فراهم آورده که مقنن هم در همین راستا نسبت به جرم‌انگاری این اعمال اقدام نموده است.

روند صعودی پیشرفت در زمینه تکنولوژی و فناوری باعث خلق انواع نرم‌افزارهای اجتماعی، سرگرمی و ... شده است که این موارد هم دلیلی بر افزایش ارتکاب سهل و راحت جرایم سایبری از سوی مرتکبان این‌گونه جرایم شده که باعث شده مقنن تا حدودی در خصوص برخی از جرایم تدابیر و مجازات‌های شدیدتری را صرفاً به‌خاطر اقناع افکار عمومی و تأثیر آن بر مجازات این اشخاص، اتخاذ نماید.

در غالب این موارد، افکار عمومی به‌خاطر ترس از جرم و یا به بهانه مداخله در حریم خصوصی افراد، نسبت به جرایم ارتكابی در فضای سایبری واکنش آنی، احساسی و هیجانی دارند و سعی می‌نمایند با ایجاد فضای خاص، مراجع و مقامات ذی‌ربط را وادار نمایند تا بدون رعایت یک‌سری از تشریفات دادرسی یا مراحل قانون‌گذاری، نسبت به مجازات مرتکب و یا تصویب قانون شدید (یا شدیدتر) اقدام نمایند.

قانون اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند، مصداق بارز قانون‌گذاری بر مبنای وقایع مجرمانه در نظام حقوق کیفری ایران است. این لایحه در واکنش به احساسات جریحه‌دار شده مردم پس از تکثیر و توزیع سی‌دی حاوی تصاویر مستهجن یک هنرپیشه ارائه و تصویب شد. به دلیل اینکه پس از پخش سی‌دی احساسات افکار عمومی جریحه‌دار شده بود، بدون اینکه مخالفتی با آن صورت گیرد، به سرعت تصویب شد (امیدی، ۱۳۸۷: ۴۵). نکته جالب آن است که نمایندگان مجلس در زمان تصویب لایحه استناد می‌کردند که این لایحه به «ناموس ملی» و «ناموس کشور و ملت» مرتبط است و موجب رفع «نگرانی اجتماع» خواهد شد.

۵-۵- حمل سلاح سرد

یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل جوامع بشری به شکل گسترده تأمین امنیت انسان‌ها بود. همان‌گونه که می‌دانیم انسان موجودی کاملاً اجتماعی است و کمال خویش را در اجتماعات بشری می‌جوید. آن‌ها در طول تاریخ به این نتیجه رسیده‌اند که چشم‌پوشی از برخی آزادی‌ها و حقوق خویش و امتیازات بهتر و والاتر به اجتماعات انسانی بیبوندند. وجود اختلافات و تشابهات باعث پیدایش و بالندگی علم حقوق شود و اکنون تصور جامعه‌ای فاقد قانون و حقوق تقریباً غیرممکن است. قانون در تمامی کشورهای دارای قانون و حقوق خاص، نگهبان برقراری و پاسداری از امنیت افراد در جامعه است. به همین سبب است که نظام حقوقی هر کشوری سعی بر آن دارد به بهترین نحو ممکن امنیت را در جامعه برقرار نماید و بدین‌شکل در مقابل پدیده‌هایی که به هر نحوی بر امنیت جامعه اثر نامطلوب دارند، اتخاذ موضع و چاره‌اندیشی می‌کند. یکی از مواردی که نظام حقوقی ایران مجبور به چاره‌اندیشی و تغییر رویکرد در مورد آن شد، مسائل مربوط به سلاح‌ها اعم از حمل، نگهداری و استفاده از آن می‌باشد. سلاح در یک تقسیم‌بندی کلی به سلاح سرد و گرم تقسیم می‌شوند. سلاح‌های گرم، از جمله اسلحه کمری، نارنجک به نسبت نوع دیگر دارای تنوع بیشتر و استفاده راحت هستند. سلاح‌های سرد هم از جمله چاقو، قمه، پنجه بوکس نسبت به انواع دیگر خود، دارای بیشترین استفاده هستند، چراکه هم حمل آن‌ها ساده و هم تهیه آن‌ها راحت است. جرایم متعددی هم به وسیله این قبیل سلاح‌ها صورت گرفته است و افکار عمومی هم معترض چنین وضعیتی بوده که افرادی در

عمومی در راستای وادارنمودن مقنن به برخورد‌های قانونی چنین شرکت‌هایی آغاز شد.

چراکه مجموع اقدامات صورت‌گرفته توسط شرکت‌های هرمی، یک فعالیت غیرسازنده، ماهیتاً و فی‌نفسه مجرمانه و معارض با نظام اقتصادی کشور بود که آشکارا موجبات ارتکاب اعمال مجرمانه دیگری چون کلاه‌برداری، اخاذی و ... را در لوای فعالیت‌های به‌ظاهر اقتصادی و مشروع فراهم آورد و سبب‌ساز سوداندوزی عده‌ای و تباهی جمعی افزون‌تر را فراهم آورد (حاجی ده‌آبادی و خادم، ۱۳۹۶: ۵۸).

به هر حال نظر به اینکه عده کثیری از مردم، بزه‌دیده چنین شرکت‌هایی واقع شدند، جهت احقاق حق خویش به مراجع قضایی روی آوردند، خلأ و ضعف قوانین باعث شد که قانون‌گذار از طریق جرم‌انگاری و تصویب قانون «الحاق یک بند و یک تبصره به ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاح تبصره ۱ ماده ۲ آن^۲» به مبارزه و پیشگیری از انجام عملیات‌های شرکت‌های هرمی، بپردازد. براساس این قانون، هیچ تردیدی در مجرم‌بودن اشخاصی که دست به فعالیت‌های شرکت‌های هرمی می‌زند، وجود ندارد و عضویت در چنین شرکت‌هایی جرم تلقی شده و متعاقباً برای آن عمل کیفر در نظر گرفته شده است، چراکه در این شرکت‌ها خبری از تولید، کالای مصرفی و کار مفید نیست و تنها هرم‌هایی را تشکیل می‌دهند که در آن‌ها پول افرادی که در سطوح پایین‌تر هرم قرار دارند، به جیب شرکت و افرادی معدود می‌رود که در رأس هرم قرار می‌گیرند (اسکینی و مهربخش، ۱۳۹۱: ۳). بنابراین این قانون نیز تحت تأثیر فشار افکار عمومی تصویب و به مرحله اجرا درآمد، درواقع قانون‌گذار برای اقناع افکار عمومی در راستای خواست او حرکت نمود و بدین‌شکل به حمایت از بزه‌دیدگان چنین جرایمی پرداخت.

نتیجه‌گیری

ظهور و پیدایش اشکال مختلفی از بزه‌کاری، نحوه ارتکاب، نوع جرم و اطلاع‌رسانی آن‌ها باعث مداخله افکار عمومی در سیاست کیفری ایران شده است. این مسأله به‌عنوان یک واقعیت انکارناپذیر نظام عدالت کیفری به‌حساب آمده که دیگر

جامعه با استفاده از انواع و اقسام این سلاح‌ها نسبت به مردم متجاوز شده و امنیت جانی، مالی و ... شهروندان را به مخاطره می‌اندازند، درنهایت نیروی انتظامی با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر این مسأله که استفاده نامشروع و غیرمجاز از سلاح سرد علیه شهروندان باعث نارضایتی و سلب آرامش روحی و روانی آن‌ها شده است، طرحی مبنی بر ممنوعیت حمل سلاح سرد و مقنن را وادار به تغییر قوانین و تصویب و الحاق دو تبصره^۱ به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) کردند.

۵-۶- جرم‌انگاری فعالیت در شرکت‌های هرمی

تولد اینترنت به‌عنوان یک تکنولوژی جدید، زندگی بشر را در تمام ابعادش دگرگون ساخت و او را وارد دنیایی پر از اطلاعات و امکانات بی‌حد و حصری کرد، به‌گونه‌ای که دیگر مرزها معنا و مفهوم خویش را از دست دادند و انسان قادر شد در هر جایی که هست، از تمام اطلاعات جهانی بهره‌برد. دقیقاً از همین‌جا بود که عرصه جدیدی در مبادلات تجاری، انسان را فریفته خود کرد. پیشرفت فناوری و ورود رایانه به بازار کار، تجارت الکترونیکی را به‌وجود آورد و نهایتاً به‌دنبال آن بازاریابی شبکه‌ای شکل گرفت.

بنابراین فعالیت و حضور شرکت‌های هرمی در جامعه ایران، نمود و چشم‌اندازی از ایجاد و توسعه تجارت الکترونیکی بود. فعالیت و عضویت در چنین گروه‌هایی در ابتدا جرم نبود و مورد بی‌توجهی مقنن واقع شده بود. درواقع در ابتدای امر فعالیت آن‌ها با رنگ و لعاب موجه و قانونی شروع شد، اما به‌تدریج جامعه پی به ضررهای آن شرکت‌ها برای نظم اقتصادی کشور برد و با توجه به اینکه اعضای چنین شرکت‌هایی به‌سوءاستفاده از مردم پرداختند و بدین‌شکل اموال آن‌ها را تصاحب می‌کردند، زمینه لازم برای اعتراض‌های مردمی و جهت‌گیرهای افکار

^۱- تبصره ۱- حمل قمه، شمشیر، قداره و پنجه بوکس در صورتی که صرفاً به‌منظور درگیری و ضرب و جرح انجام شود، جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌گردد. واردات، تولید و عرضه سلاح‌های مذکور ممنوع است و مرتکب به جزای نقدی درجه شش محکوم و حسب مورد این سلاح‌ها به نفع دولت ضبط یا معدوم می‌شود؛ تبصره ۲- تولید، عرضه یا حمل ادوات موضوع تبصره ۱ در موارد ورزشی، نمایشی، آموزشی و نیاز ضروری اشخاص برای استفاده شغلی یا دفاع شخصی پس از دریافت مجوز بلامانع است. نحوه و مرجع صدور مجوز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت سه‌ماه از تاریخ ابلاغ این قانون با پیشنهاد وزرای دادگستری و کشور و با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

^۲- قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسید.

به‌تنهایی در تمامی موارد قادر به تصمیم‌گیری درخصوص جرم‌انگاری و کیفرگذاری نیست، بلکه باید در برخی از موارد در راستای اقتناع افکار عمومی - عامه مردم - تصمیم‌گیری نماید، چراکه امروزه افکار عمومی به‌عنوان پدیده‌ای همیشه حاضر در جوامع انسانی، یک متغییر مهم در شکل‌دهی و واکنش به جرم و بی‌نظمی است.

اگرچه در قانون اساسی هیچ‌کسوری به افکار عمومی به‌عنوان یک نیروی سیاسی اشاره نشده است، لکن این مسأله باعث کاهش قدرت وی در تحکیم یا تضعیف قدرت اجرایی قوانین در مراحل مختلف نشده است، بلکه پیوند و ارتباط افکار عمومی با پدیده‌های دیگر، ازجمله با اکثریت، تبلیغات، رسانه‌های گروهی، هنجارهای ارزشی و پذیرفته‌شده جامعه و ... باعث اهمیت و تأثیر دوچندان آن در جرم‌انگاری‌ها در نظام حقوق کیفری ایران شده است.

افکار عمومی بخشی از نیروی درونی یک ملت را تشکیل می‌دهد، ولی همواره ثابت و یکسان باقی نمی‌ماند، بلکه در حال تحول و تکامل است. این تحول براساس احوال اجتماعی نوع بشر در هر زمان با زمان‌های دیگر متفاوت بوده و برحسب قالب اجتماعی خود متغیر است.

افکار عمومی هر جامعه‌ای در بستر قالب‌های ارزشی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد، یعنی هر جامعه‌ای، در حوادث مختلف، واکنش‌های جمعی خاص خود را نشان می‌دهد که از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی از یک زمان به زمان دیگر تفاوت می‌کند. باتوجه به اهمیت افکار عمومی در کشورهای مختلف و ازجمله ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، مطالعه آن به‌عنوان یک مقوله مهم در قانون‌گذاری مورد تأکید قرار گرفته است. بر همین اساس نیز قانون‌گذار ایرانی نگاه ویژه‌ای به آن داشته و در اغلب جرم‌انگاری‌ها یا کیفرگذاری‌ها به خواست آن احترام گذاشته است.

به‌هرحال امروزه سیاست‌گذاران کیفری باید بپذیرند که خواه یا ناخواه، افکار عمومی در سیاست کیفری دخیل است، کارکرد خواهد داشت و مؤثر می‌باشد، در این عصر هرچه به‌سمت سیاست جنایی مشارکتی در حرکت می‌باشیم، صحبت از ضمانت‌اجراهایی می‌کنیم که به‌کارگیری آن‌ها جز با مشارکت عمومی مقدور نیست و زمانی موفقیت حاصل می‌شود که با

افکار عمومی و مطالبات عمومی همخوانی داشته باشد. بنابراین در این برهه زمانی به هیچ‌عنوان نمی‌توان نقش افکار عمومی را در جهت‌دهی سیاست کیفری دولت‌ها نادیده گرفت، بلکه ضمن پذیرش این مسأله، باید پذیرفت، در بسیاری از موارد افکار عمومی باعث جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی یک رفتار خاص شده است. بنابراین افکار عمومی نقش بارزی را در نظام حقوق کیفری ایران بازی می‌نماید، اما همیشه این نقش، منجر به نسخ قانون یا تصویب آن نشده است، بلکه در بسیاری از مواقع واکنش آن باعث تعیین مجازات، تشدید و نهایتاً اجرای فوری مجازات در نظر گرفته شده است، بدین‌ترتیب افکار عمومی بیشترین کارکرد و اثر را زمانی بر نظام حقوقی کیفری ایران خواهد گذاشت و سیاست‌گذاران جنایی را وادار به همسویی با خود می‌کند که جرم ارتكابی، ازجمله جرایمی باشد که احساسات عمومی را جریحه‌دار نماید و مردم نسبت به آن حساس باشند و یا نحوه ارتكاب آن به‌گونه‌ای باشد که اخلاق و نظم عمومی را جریحه‌دار کند. فارغ از این قبیل مسائل جنسیت و سن بزه‌دیده هم تأثیر فراوانی در این قضایا دارد و افکار عمومی نیز به‌بهبان همزادپنداری با بزه‌دیده و ابراز همدردی و هم‌نوعی با او عکس‌العمل‌های هیجانی و احساسی نشان داده و باعث می‌شود که سیاست‌گذاران جنایی به خواست آن‌ها پاسخ مثبت نشان داده و با تصویب، تغییر و یا نسخ قانون یا تعیین و تشدید مجازات به اقتناع افکار عمومی بپردازند.

بنابراین مشخص می‌شود اهمیتی که امروز افکار عمومی در سیاست کیفری دارد، به‌مثابه روزگاران کهن نیست، بلکه به همراه ظهور وسایل نوین و پیشرفته ارتباط جمعی تأثیر زیادی بر نحوه تصمیم‌گیری و برخورد دستگاه عدالت کیفری با مجرمان داشته است. قانون‌گذار نیز در بسیاری از موارد از شیوه‌های اقتناعی برای آن درخصوص مقابله و مبارزه با جرایم و مرتکبان بهره برده است.

پیشنهادها:

۱- سیاست‌گذاران کیفری اگر قصد دارند یک سیاست کیفری کارآمد و کارا داشته باشند، باید سعی نمایند که آگاهی‌های عمومی را درباره موضوعات عدالت کیفری، نرخ جرایم، کارکردها و اهداف مجازات‌ها و ... افزایش دهند.

۲- کنترل احساسات و هیجانات عامه مردم و برخورد منطقی با آن.

- ۳- دخیل نمودن افکار عمومی به شیوه‌ای رسمی یا درخصوص سازمان‌های مردم‌نهاد، درخصوص جرم‌انگاری‌ها همراه با ایجاد و فراهم کردن بسترهای لازم.
- ۴- سازماندهی افکار عمومی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد، جهت فرهنگ‌سازی در زمینه مبارزه با جرم و ناهنجاری.
- ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.
- تقدیر و تشکر:** از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.
- سهم نویسندگان:** نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.
- تضاد منافع:** این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.
- منابع و مأخذ**
- الف. منابع فارسی**
- ابراهیمی، محسن و سوری، علی (۱۳۸۷). *اقتصاد منابع طبیعی و محیط زیست*. تهران: نور علم.
- اخوت، محمدعلی (۱۳۸۹). «جلوه‌هایی از رویکرد عرف در نظام کیفری ایران». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۰۳: ۳۷-۳۲.
- ارمغان، مسعود و نقدی‌سپهوند، اکبر (۱۳۹۶). «سیاست جنایی ایران در قبال جرایم علیه اموات». *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، دوره سوم، شماره ۴: ۱۱۱-۱۰۰.
- امیدی، جلیل (۱۳۸۷). «گفتمان سیاست جنایی مجلس هفتم». *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۳ و ۶۲: ۵۸-۴۱.
- امیدی، جلیل و نیکویی، سمیه (۱۳۸۷). «تعریف و مبانی علتی‌بودن دادرسی کیفری». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۲(۳): ۳۸-۲۳.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، تهران: دوران‌دیشان.
- آشوری، محمد و مندنی، اسلام (۱۳۹۷). «تحلیل سیاست جنایی امنیت‌مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری». *پژوهش‌های اخلاقی*، ۳۳: ۲۰۴-۱۸۳.
- آقابابایی، حسین (۱۳۸۴). «گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت». *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۲(۵): ۴۲-۱۱.
- آقابخش، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- آقایی‌نیا، حسن (۱۳۸۶). *حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص: جنایات*. تهران: نشر میزان.
- براید، شن مک (۱۳۹۱). *یک جهان، چندین صدا*. ترجمه ایرج پاد، تهران: نشر سروش.
- بشریه، حسین و همکاران (۱۳۹۵). *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*. تهران: خرسندی.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۳). *سلسله نشست‌های تازه‌های علوم جنایی*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و خادم، سمیرا (۱۳۹۶). «تحلیل جرم‌شناختی پدیده شرکت‌های هرمی». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۹(۱): ۸۷-۵۷.
- خالقی، علی (۱۳۸۳). «ممنوعیت انتشار جریان محاکمات: محدودیتی ناروا». *مجله وکالت*، شماره ۲۳ و ۲۴.
- دادگران، محمد (۱۳۹۳). *افکار عمومی و معیارهای سنجش آن*. تهران: انتشارات مروارید.
- دلماس مارتی، مری (۱۳۹۳). *مدل‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- رابرتز، جولیان، وی و دیگران (۱۳۹۲). *عوامل‌گرایی کیفری و افکار عمومی، درس‌هایی از پنج کشور*. ترجمه زینب باقری‌نژاد و دیگران، تهران: نشر میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵). «تحول حقوق جهانی بزه دیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه». *مجله حقوقی دادگستری*، ۵۷-۵۶: ۱۸۴-۱۳۷.
- سووی، آلفرد (۱۳۵۴). *افکار عمومی و اثر آن در زندگی اجتماعی*. ترجمه جمال شیمرانی، تهران: سهامی کتاب‌های جیبی.

- هوشمند، مهرداد (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: نشر آوای دانش گستر.

ب. منابع انگلیسی

- Anastasio, A; Karen, R and Chapman, J (1999). *Current Direction in Psychological Science*. DOL: 10. 1111/1467-8721.00036.

- Howitt, D (1998). *Crime, the Media and the Law*. Chichester: John Wiley and Sons.

- Keijsers, W; Koppen, J & Elffers, H (2007). "Bridging the Gap between Judges and the Public? A Multi Method Study". *Journal of Experimental Criminology*, 3(2).

- شیدائیان، مهدی و رجبی سلمان، جواد (۱۳۹۵). «بزه‌دیده و عوام‌گراشدن سیاست کیفری». حقوق جزا و سیاست جنایی، ۲۱(۲): ۲۷۵-۲۵۵.

- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲). فرهنگ سیاسی. تهران: نشر آشتیان.

- غفوری، محمود و کمالی، یحیی (۱۳۸۹). «افکار عمومی و سیاست‌گذاری عمومی». فصلنامه سیاست، ۴۰(۲): ۱۸۸-۱۷۱.

- قربانی، ابراهیم؛ بیگی، جمال و پورقهرمانی، بابک (۱۴۰۰). «جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست-اندرکاران نظام عدالت کیفری». فصلنامه تعالی حقوق، ۱۲(۱): ۲۸-۲.

- قنبری، مجید (۱۳۸۸). تصرف غیرقانونی در وجوه اموال دولتی و عمومی. تهران: انتشارات نوآور.

- لازار، ژودیت (۱۹۹۴). افکار عمومی. ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.

- لازرژ، کریستین (۱۳۸۲). سیاست جنایی. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: نشر میزان.

- معاونت مبارزه با جرایم اقتصادی (۱۳۸۸). جزوه کارگاه آموزشی زمین‌خواری.

- منصورآبادی، عباس (۱۳۷۹). اختلاس در حقوق ایران، مصر و آمریکا. پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- مهرآرا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). زمینه روان‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات مهرداد.

- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۳). تقریرات درسی جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۱). از حق‌های کودکان تا حقوق کودکان، دیباچه در آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران. نوشته، مدنی قهفرخی، زینالی، امیرحمزه، تهران: نشر میزان.

- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: سمت.



The Effect of Public Opinion on Criminalization in Iran's Criminal Policy

Ebrahim Ghorbani¹

1. Ph.D of Criminal Law and Criminology, Member of the Bar Association of the Judiciary, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 27-45

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-4909-777X

TELL: +989144442440

Email: ghorbani9@yahoo.com

Article history:

Received: 02 Nov 2022

Revised: 19 Dec 2022

Accepted: 09 Jan 2023

Published online: 21 Mar 2023

Keywords:

Public Opinion, Populism, Criminalism, Criminal Policy.

ABSTRACT

One of the social phenomena that has an important place in criminal policies is public opinion. This phenomenon has different functions in criminal policy according to the structure and framework of political and legal systems. One of the influential aspects of this phenomenon in Iran's criminal policy is the discussions related to criminalization. This issue and the degree of impact has caused the criminal policy-makers to consider it as an important factor in determining crimes and punishments. Therefore, paying attention to public opinion in determining the basis and criteria of criminalization can have useful results for criminal policy. The current research was conducted with the purpose of explaining the role and influence of public opinion on Iran's criminal policy, with a descriptive and analytical method, based on library studies. The findings of the research indicate that the public opinion with its reaction to the incidents committed in the society has had a significant impact on criminalization and this issue has provided grounds for attracting the attention of the criminal policy makers to the public opinion. Therefore, the criminalization of acid attacks, land grabbing, criminalization of activities in pyramid companies, etc. are among the criminalizations affected by public opinion on criminal policy.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Ghorbani, E (2023). "The Effect of Public Opinion on Criminalization in Iran's Criminal Policy". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(1): 27-45.